

حق وجود و مشهود

ذَلِكَ الْكِتَابُ الْرَبِّبُ فِيهِ

ارباب الشریعت و طریقت لامرؤه هدایت و صاحب معرفت و حقیقت را توحید سعادت یا و که دین
نشان فیض اقتران کتاب مستطاب لب الالباب اعلامیت و قرآن گلشن انبیا ندوق و و جلال
نور اسرار توحیدی می بقای بیس المباحس السعدی

اشارت بریدی

از مملوئات قطب برادر طوط رضا کار سلطان العارفین خلیفه السعدی السموات والارضین مرکز
خفاک الولاية والعرفان المستوفی فی الاکوان روح المعرفت قلب الحقیقة نور فی وجود
بکست ذات مقدس حضور اقدس قبل اهل توحید حضرت خواجہ غلام فریدی رضی اللہ تعالی عنہ که جمع
کرده بنده رکن الدین پر بار سونکی ثبته اللہ تعالی علی الصمدق والیقین است بفرمان هدایت
بنیان سند الکاملین محبته الواصلین قطب الموحیدین شیخ الاسلام محبوب الہی مورد انوار نامناهی حضرت
خواجہ محمد بخش سجادہ نشین دام فیضه و مع السہ الناس بطول بقای کسب توحید افتخار الملک فخر الاشراف
صاحب سزاده محمد عبدالعلیم خان صاحب بہادر امیر نونک سلمہ ربہ

طبع منصفیہ اگر بہ تمام قادیان فی طبع

نماز حضور خواجه البقاء الهی تعالی ببدلت خان شریف تشریف فرما شدند داین بنده یروقاق
 خویش آمد بعد از ساعت ابن بنده را قلم کردند باز بخدمت خیرین حضور خواجه
 البقاء الهی تعالی مشرف شد حضور مسند آراست بودند و همه حضار مجلس منعقد
 نشسته اند آنکه حضور خواجه البقاء الهی تعالی کلاه مبارک را از سر اشرف بیک دست
 بالا برداشتند و دیگر دست از رقیقین شریفین موسی که چند فرود آوردند من تیر شدم
 که بر غیسزم داین موسی مبارک را بگیرم مگر پیش از من میان برکت علی یابی که
 منظور خاطر حضور خواجه البقاء الهی تعالی بود آن نو شمارا بگیرفت آنکه بسوی من
 دید من اورا به نصفان نصف کردن اشاره دادم و بسوی سر جنبانید و منظور کرد و آخر
 بر جاکے اورقم و آن همه موسی مبارک را از دوسے گرفت و حوز جان خود ساختم انشاء
 تعالی این موسی مبارک نزد من دوزاد ولد من ترک خواهد بود الحمد لله علی کلک
 مقبول بیست و هفتم بوقت عشاء شب سه شنبه بیست و نهم
 از راه شعبان سال نه کو دولت پادشاه بوس زیارت حضرت اقدس که عبادتے
 و سعادتے بهتر ازین نیست میسر گشت سخن در ذکر رزا غلام احمد قادیانی و در بیان
 رد و دفع منکرین افتاده بودند لشمن دی حاضر بود و بسے صفت دشنام مرزا
 صاحب کرد حضور خواجه البقاء الهی تعالی سیاقه بدرجه غایت خوش و مسرور شدند
 بعد از آن فرمودند که همه اوقات مرزا صاحب بعبادت خدا عزم و جل میگزینند
 یا نماز میخوانند یا تلاوت قرآن شریف میکنند یا دیگر شغل اشغال نمایند بر حمایت اسلام
 و دین چنان که رسمیت بسته که ملکه دان لندن را نیز دعوت دین محمدی کرده است
 و بادشاه روس و فرانس و غیره را بجم دعوت اسلام نموده است و همه سعی و کوشش

و در اینست که عقیده تثلیث و صلیب را که سراسر کفر است بگذارند و بتوحید
 خداوند تعالی بگردند و علمای وقت را به بینید که دیگر گروه غلامی باطله را گذاشته
 مرت در پی این چنین نیک مرد که از اهل سنت و جماعت است و بر صراط مستقیم
 است در راه هدایت می نماید اقتاده اند و بر دوسه حکم تکفیه بسیارند کلام عربی او پسندید که
 از طاعت بشریه خارج است و تمام کلام او مملو از معارف و حقائق و بدایت است
 و از عقیده اهل سنت و جماعت و ضروریات دین هرگز منکر نیست بعد از آن
 فرمودند که زرا صاحب بر همه دین خود بسیار علامات بیان کرده مگر از انجمنیان
 در علامات که بر کتاب خود درج ساخته بیان نموده است برتر و بدیهه غایت بر
 دعوی مسدود است او گواه اند یکے اینکه او گفته که در حدیث شریف آمده است که قال
 النبي صلى الله عليه وسلم يخرج المهدي من قرية يقال لها كدعة وليصدق
 الله تعالى بجميع أصحابه من اتقى الله على عدة أهل بدر ثلاث مائة
 وثلاثه عشر رجلا معه صحيفة مخطومة (ای مبطومة) فيها عداد أصحابه
 باسمائهم و بلادهم و خلا لهم يعني فرمودند بنی صلی الله علیه و سلم بدون آید مهدی
 از دهی که گفته شد ادا کرده که در اصل معریت کا دیان است. دوم این است
 که او بگوید که در دار قطنی این حدیث از امام محمد باقر رضی الله عنه روایت کرده است
 که ان ملهد ينال اثنين لم تكونا منذ خلق السموات والارض ينكسف
 القمر لأول ليلة من رمضان تنكسف الشمس في النصف منه هرگاه خورشید
 قمر و کسوف شمس بتاریخ ششم ز ماه اپریل سال ۱۲۹۵ هجری قمری و در چهار واقع
 شد پس زرا صاحب براسه اتمام محبت خود در اطراف و اکنان عالم استظهار این

از سال کرد کاین پیشین گوئی که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بر اسکے
 ظهور مہدی موعود فرمودہ ہوندمہ اکنون تمام شدہ است بر ہمہ واجب کہ ہمہ میت
 من اعتراف کنندہ و اقرار نمایند پس مولویان وقت طفلاہ سوال کردند کہ از حدیث
 شریف این معنی بر می آید کہ از اہل شب رمضان خسوف قمر شود و در نیمہ رمضان
 کسوف شمس گردد و این خسوف بتایخ سیزدہم رمضان واقع گشتہ و کسوف
 بتایخ بیست و ہشتم رمضان بوقوع آمدہ این خلاف منطوق حدیث است ان
 خسوف و کسوف دیگر خواهد بود کہ در زمان مہدی برحق وقوع باید۔ بعد از ان
 حضرت خواجہ البقاہ الدلعالی بقایہ فرمودند سبحان اللہ بشنوید آنچه مرزا صاحب
 معنی حدیث شریف مذکور بیان نمودہ و مولویان منکران را جواب دادہ است بذا
 صاحب گفتہ کہ معنی حدیث شریف این است کہ برائے تأیید تصدیق مہدی با
 دو نشان مقرر اند از ان مرت کہ آسمانہا دزمین پیدا شدہ اند آن دو نشان در وقت
 کسے مدعی بطور نہادہ و آن دو نشان این است کہ در وقت ادعای مہدی موعود خسوف
 قمر در آن اہل شب خواهد بود کہ آن شب از شب خسوف اول است یعنی شب
 سیزدہم از رمضان و کسوف شمس در آن روز خواهد بود کہ از ایام کسوف در میانہ
 روز است یعنی بیست و ہشتم از رمضان بعد از ان حضوز فرمودند کہ
 بیشک معنی حدیث شریف این چنین است کہ مرزا صاحب بیان کردہ چہ خسوف
 قمر ہمیشہ بتایخ سیزدہم یا چہاردہم یا پانزدہم ماہ واقع میشود و کسوف شمس
 ہمیشہ در تایخ بیست و ہشتم یا بیست و نہم یا بیست و نہم ماہ بوقوع می آید پس
 خسوف قمر کہ بتایخ ہشتم از ماہ اپریل سال ۱۱۹۷ ہجری قمری و دو چہارم عیسوی واقع

شده است و آن تاریخ سیزدهم رمضان که اول شب از شبهای شریف است بوقوع آمده و کسوف
 در میان روز از روزها کسوف شمس واقع گشته است بعد از آن سحر مبارک بر سر رخساره نماز
 عشرت با جماعت گزاره دهند و سیزدهم در آن جماعت داخل بود. آنگاه
 این بنده را رقم الحروف بر وثاق خود آمد حضور خواجہ بقاہ اللہ تعالیٰ بقیان شبان شافل
 بخدا مانند مقبول نیست و بیست و ششم بوقت عشرت شب جمعه تاریخ دوم از ماه رمضان شریف
 سال سیزده صد و چار و ہجری المقدس کہ دولت پاسبان در زیارت حضرت اقدس کہ عبادتی
 و سعادتی بہتر ازین نیست میر کردید حضور خواجہ بقاہ اللہ تعالیٰ بقیان و نفعنا و یا کم بلقاہ
 زرض عشاق با جماعت گزاره دهند و اتب گزاره دعا ی سبحان ذی الملک و الملکوت
 سبحان ذی العزت و العظمت و الہیت و القدیم و الکبریٰ و المحجرات سبحان ذی
 الحم و الذی لا یلحم و الہیت سبح قدوس یا رب المملکت و الروح اللہم اجرنا من النار
 یا مجید یا مجید یا خیر یا خیر خوانند و برای شروع خدمت عاقل غلام نبی کہ ہمیشہ پیش امام حضور خواجہ بقاہ
 اللہ تعالیٰ بقیان دی بوده است ادا فرمودند کہ امشب یک سارہ بخوانی پس یک سارہ
 در تمام تاریخ خوانند شد حضور خواجہ بقاہ اللہ تعالیٰ بدو تہنات شریف فرما شدند این بنده را رقم الحروف
 دیگر حضار بر وثاق خویش آمدند مقبول نیست و بیست و ششم بوقت عصر روز جمعه تاریخ دوم از ماه رمضان
 سال مذکور دولت پاسبان در زیارت حضرت اقدس کہ عبادتی و سعادتی بہتر ازین نیست
 حاصل شد در همین روز در فضا سے آسمان ابر بوده است حضور خواجہ بقاہ اللہ تعالیٰ بقیان و
 نفعنا و یا کم بلقاہ پرسیدند کہ ابر تنگ است یا غلیظ ہمہ حضار عرض کردند کہ غلیظ شدہ است
 چون حضور خواجہ بقاہ اللہ تعالیٰ را نظر بدیدن ابر و باران محبت کمال بوده است برخاستند
 و فرمودند کہ برویم ملایر را زیارت کنیم بیرون از محل شریف آمدہ ابر را شاہد نمودند آنکاه در مجید